سال دوازدهم ● بهار و تابستان ۱۴۰۵ ● شماره ۲۴
Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 12, No. 24, Spring & Summer 2026

مؤلفه‌های عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی؛ تحلیل مضمون

میلاد شماخته*

10.22034/psy.2026.52341.1533

چکیده

عشق زناشویی در اسلام، پدیده‌ای فراتر از هیجانی گذراست و به‌عنوان پیوندی قدسی، ریشه در ایمان، اخلاق و شناخت دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های بنیادین عشق زناشویی و ارائه مدلی مفهومی بر اساس منابع اسلامی انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند در آیات قرآن و روایات معتبر مرتبط با روابط عاطفی زوجین، با معیار اشباع مفهومی گردآوری شد. فرآیند تحلیل شامل کدگذاری سه‌گانه (باز، محوری و گزینشی) بود و اعتبار یافته‌ها با استفاده از شاخص‌های CVR و CVI توسط ۱۰ نفر از خبرگان تأیید شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۸۲۰ کد اولیه، ۴۲ مفهوم، ۱۸ مقوله و ۵ بُعد کلان گردید. مدل نهایی از سه لایه اصلی (مؤلفه‌های زیرساختی شامل کفویت ایمانی و میثاق غلیظ؛ مؤلفه‌های کنشی شامل مودت، سکینه و استعاره لباس؛ مؤلفه‌های تحکیم‌بخش شامل رحمت، عفو و مدارا) و دو لایه فرعی (سازوکار میانجی عاملیت اخلاقی با محوریت تقوا و صبر؛ و پیامدهای پس‌فرآیندی شامل حیات طیبه و سلامت نسلی) تشکیل شد. نتایج نشان داد عشق زناشویی در اسلام فرآیندی نظام‌مند و غایت‌مند است که در آن ایمان و تعهد اخلاقی، هیجانات را به رفتاری پایدار و مقدس تبدیل می‌کند. این مدل می‌تواند چارچوبی مؤثر برای مشاوره خانواده و پژوهش‌های آتی در زمینه تدوین ابزارهای سنجش عشق مبتنی‌بر آموزه‌های اسلامی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: عشق، عشق زناشویی، منابع اسلامی، مدل مفهومی، مودت و رحمت.

---

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (shamakhte1997@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

مقدمه

خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که بسیاری از قانون‌مندی‌ها و بی‌قانونی‌های اجتماع در بستر آن شکل می‌گیرد (سالاری‌فر، ۱۳۹۵، ص۸۱). استحکام این بنای اصیل، تضمین‌کننده سلامت روان اعضا و ثبات ارزش‌های کسب‌شده در یک جامعه محسوب می‌شود (بستان و بختیاری، ۱۳۹۰، ص۲۱). در میان نیازهای اساسی بشر، نیاز به امنیت عاطفی و پیوند پایدار، از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی است (هاید،۱۳۸۴، ص۱۰۹) که در نظریه‌های روان‌شناختی بر آن تأکید شده است (شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴، ص۱۶ – ۱۸). عشق به‌عنوان هسته مرکزی این پیوند، از نظر روان‌شناختی یک نیاز بنیادین است که فقدان آن منجر به آسیب‌پذیری خودانگاره و ایجاد عقده حقارت در فرد می‌گردد (استرنبرگ،[1] ۲۰۲۰، ص۱۰۲). نمی‌توان ادعا کرد که هر دوست‌داشتنی بین زوجین عشق نامیده می‌شود (باکوم، اپستین و پار،[2] ۲۰۱۲). سه نوع عشقی که در روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده، عشق رمانتیک، عشق محبت‌آمیز و عشق تمام عیار است (سانتراک، ۱۳۹۷، ص۲۰۱). پژوهش‌های زیادی نشان دادند که دلیل اصلی ازدواج، عشق رمانتیک است (سانتراک، ۱۳۹۷،ص۱۸۹). بیش از نیمی زنان و مردان امروزی معتقدند صرفاً عاشق یکدیگر نبودن کافی است که زوجین به طلاق و جدایی برسند (بک،[3] ۲۰۱۴، ص۹۸).

در روان‌شناسی، نظریه‌های متعددی برای تبیین ماهیت، مؤلفه‌ها و انواع عشق زناشویی ارائه شده است. استرنبرگ (۱۹۸۶، ص۱۱۹ – ۱۳۵) در نظریه مثلثی عشق[4] معتقد است که عشق از سه مؤلفه اساسی صمیمیت،[5] شور/ هیجان[6] و تعهد[7] تشکیل شده است. هاتفیلد و والستر[8] دو نوع عشق رمانتیک را از یکدیگر تفکیک می‌کنند: عشق پرشور[9] که حالت هیجانی شدید همراه با اشتیاق، ایدئال‌سازی و جذابیت جنسی است؛ و عشق همراه[10] که محبت و صمیمیت عمیق‌تری را منعکس می‌کند و از نظر جنسی کمتر رنگ‌آمیزی شده است (هاتفیلد و والستر، ۱۹۷۸، ص۱ – ۲۵).

1. Sternberg, R. J.
2. Baqum, D. C., Opestin, A. J. & Parr, M. R.
3. Bek, A. T.
4. Triangular Theory of Love
5. Intimacy
6. Passion
7. Commitment
8. Hatfield, A. & Walster, S.
9. Passionate Love
10. Companionate Love

لی[1] در نظریه چرخ رنگ عشق را آنچه زن و شوهر را به هم متمایل می‌کند تعریف می‌کند (لی، ۱۹۷۳؛ ۱۹۷۷، ص۱۷ – ۳۲). دایون و دایون[2] عشق زناشویی را تعهد و پیمان محکمی معرفی کرده‌اند و نشان دادند که رابطه بین عشق و اعتماد در زوج‌های متأهل قوی‌تر از زوج‌های نامزد یا روابط خارج از چارچوب ازدواج است (دایون و دایون، ۱۹۷۶، ص۲۲۵ – ۲۳۰). شمیدلر[3] عشق زناشویی را «چیزی پیچیده» توصیف می‌کند که در آن ویژگی‌هایی مانند میل به همراهی، تصاحب انحصاری، همدردی، فداکاری، ثبات، جوانمردی و ایثار قابل تشخیص است (شمیدلر، ۱۹۴۷، ص۴۶۰). روبین[4] در پژوهشی ضمن معرفی عشق زناشویی مقیاسی برای آن طراحی کرده و آن را به‌عنوان نگرشی با سه مؤلفه اصلی دلبستگی وابسته، آمادگی برای کمک و جهت‌گیری انحصاری و جذب‌کننده تعریف می‌کند (روبین، ۱۹۷۰، ص۲۶۵ – ۲۷۳).

اما رایج‌ترین نظریه عشق، نظریه استرنبرگ است (استرنبرگ، ۲۰۲۰، ص۱۱۹ – ۱۳۵). به همین دلیل مبنای نظری پژوهش حاضر قرار گرفته است. این نظریه در پژوهش‌های متعددی به‌عنوان چارچوب اصلی تحلیل عشق به‌کار گرفته شده (هیل، رکسرود و اسپیگلمن،[5] ۲۰۱۹) و اعتبار آن در فرهنگ‌ها و گروه‌های سنی مختلف تأیید شده است. مطالعه‌ای با بیش از ۷۳۳۲ شرکت‌کننده از ۲۵ کشور، همسانی فرهنگی این نظریه را به اثبات رساند و پویایی مؤلفه‌های عشق را بر اساس طول مدت رابطه تأیید کرد (سوروکوفسکی[6] و همکاران، ۲۰۲۱). در پژوهشی دیگر، نظریه استرنبرگ و گونه‌شناسی مشتق‌شده از آن توسط هندریک، به‌عنوان رایج‌ترین و تجربی‌ترین چارچوب‌های مطالعه عشق معرفی شدند (کلمنته[7] و همکاران، ۲۰۲۰). این نظریه در پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعات اعتباریابی (آکر و دیویس، ۱۹۹۲)، بررسی ویژگی‌های شخصیت (فلچر[8] و همکاران، ۲۰۰۰)، کاربرد در جمعیت‌های مختلف مانند نوجوانان، جوانان و سالمندان (لمیو و هیل،[9] ۱۹۹۹؛ اوربیک و همکاران، ۲۰۰۷؛ سومتر و همکاران،[10] ۲۰۱۳) و مطالعات فرافرهنگی در کشورهای گوناگون (عسکرپور و محمدی‌پور، ۲۰۱۶؛ گائو، ۲۰۰۱؛ انگ و چنگ، ۲۰۱۰؛ حسن‌آگیچ و دراگانوویچ، ۲۰۱۴؛ ونچورا ـ لئون و همکاران، ۲۰۲۰؛ کاسپ ـ

1. Lee, J.
2. Dion, K. K. & Dion, K. L.
3. Schmiedeler, E.
4. Rubin, Z.
5. Hill, S. Rexrode, K. Spiegelman, D.
6. Sorokowski, P.
7. Clemente, M.
8. Fletcher, G. J. O., Simpson, J. A. & Campbell, L.
9. Lemieux, R. & Hale, J. L.
10. Sumter, S. R., Valkenburg, P. M. & Peter, J.

بورخس و پاسکوالی[1]، ۲۰۱۲) مورد استفاده قرار گرفته است.

بر اساس دیدگاه استرنبرگ بـه نقـل از جوناسـن و لـووارد ـ هیـل (۲۰۲۰) عشـق، یـک احسـاس عاطفی، شناختی و انگیزشی است که بر پایه ارتباط، مشـارکت و حمایـت متقابـل ابـراز مـی‌شـود. استرنبرگ ابعاد مختلف این سازه را در قالب یک مثلث ترسیم می‌کند که دارای سه بُعد تعهد (جـزء شناختی)، صمیمیت (جزء احساسی) و شور و اشتیاق (جزء انگیزشـی) اسـت (اسـترنبرگ، ۲۰۲۰). یک رابطه زناشویی می‌تواند با هریک از این ابعاد آغاز شده و سپس با رشد مؤلفه‌های دیگر به یـک عشق کامل تبدیل شود.

مؤلفه اول عشق صمیمیت عبارت از به اشتراک‌گذاری احساسات و فراهم کردن حمایت عاطفی است و با افزایش نزدیکی به‌تدریج بیشتر شده و با رشد رابطه عمیق‌تر می‌شود (قهاری، ۱۳۹۵). افـراد با انتقادپذیری و جلب اعتماد هم می‌توانند نسبت به حفظ صمیمیت ضمانت قـوی عـاطفی ایجـاد کنند (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۳). مؤلفه دوم عشق شور و اشتیاق جنسی عموماً با ابراز عاطفه و محبتی کـه با برانگیختگی فیزیولوژیکی در پیوند است و نیز با تعاملات جنسـی ابـراز مـی‌شـود و بـه سـرعت آشکار می‌شود و به سرعت نیز می‌تواند محو شود (قهـاری، ۱۳۹۵). سه مؤلفه عشق بـه صـورت‌هـای مختلف با هم ترکیب می‌شوند که استرنبرگ بر این اساس هشت نوع رابطه را تفکیـک کـرده اسـت: رابطه غیرعشقی که فاقد تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است؛ عشق تهی که شامل تعهـد و فاقـد صمیمیت و اشتیاق جنسی است؛ دوست داشتن که شامل صمیمیت و فاقد تعهد و اشـتیاق جنسـی است؛ شیفتگی که شامل اشتیاق جنسی و فاقد تعهد و صمیمیت است؛ عشق رومانتیک کـه شـامل صمیمیت و اشتیاق جنسی و فاقد تعهد است؛ عشق ابلهانه که شامل تعهد و اشتیاق جنسـی و فاقـد صمیمیت است؛ عشق مصاحبتی که شامل تعهد و صمیمیت و فاقد اشتیاق جنسی اسـت؛ و عشـق کامل که شامل تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است (اولسون و دفراین، ۲۰۰۶). تعهد در این الگـو، به معنای وابستگی شناختی به فـردی دیگـر اسـت کـه فرآینـد رشـد آن بـه زمـان زیـادی نیـاز دارد (استرنبرگ،۲۰۲۰). ورود رابطه به مرحله وفاداری و پایداری در دشوارترین شرایط، نمایانگر بلوغ بُعـد تعهد است. صمیمیت نیز شامل به اشتراک‌گذاری احساسات و فراهم کردن حمایت عـاطفی بـرای شریک زندگی است. این مؤلفه با همزیستی زوجین، به‌تدریج عمیق‌تر شده و افراد با انتقادپذیری و

1. Cassepp-Borges, V. & Pasquali, L.

جلب اعتماد، می‌توانند ضمانت عاطفی قدرتمندی ایجاد کنند (قهاری، ۱۳۹۵، ص۱۰۱).

اسلام تأکید به خانواده را محور کـار خـود قـرار داده اسـت (مطهـری، ۱۳۷۷، ج۶، ص۲۱۰). منـابع اسلامی نیز ظرفیت شـگرفی بـرای تبیـین سـازه‌هـای روان‌شـناختی دارد (غـروی و آذربایجـانی، ۱۳۸۵، ص۸۹)؛ چنان‌که هدایت‌شده و تبیک (۱۴۰۳) در پژوهشی با هدف تدوین «مدل مفهومی "مـودت" و "رحمت" در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی»، بـا اسـتفاده از معناشناسـی زبـانی و تحلیـل محتوا، مدل مفهومی مودت را شامل دو مؤلفه ساختاری «محبت» و «تَمنّی» با هجده عامل مؤثر و هجده اثر، و مدل مفهومی رحمت را شامل سه مؤلفه ساختاری «ادراک نیاز»، «رقت» و «احسان» با پنج عامل مؤثر و نُه اثر معرفی کرده‌اند (هدایت‌شده و تبیک، ۱۴۰۳، ص۲۹۶ – ۲۹۷). رحیمی، فقیهـی و انتصاری (۱۴۰۴) در پژوهشی با هدف «تدوین مدل مفهومی غنی‌سازی روابط همسران بـا تأکیـد بر تأمین نیازهای روان‌شناختی بر اساس احادیث کتاب بحارالانوار» به سه مؤلفـه هسـته‌ای «تـأمین نیاز به احترام، تأمین نیاز به محبت و تأمین نیاز به آرامش و امنیت» دست یافته‌اند (رحیمـی، فقیهـی و انتصاری، ۱۴۰۴، ص۹ – ۲۸). همچنین پژوهشی دیگر با هدف تدوین «مدل مفهومی تعامل به معروف بین همسران بر اساس منابع اسلامی»، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی متـون دینـی، نتـایج را در چهار دسته اصلی مدیریت رفتار، مدیریت تفکر، درک متقابل و مدیریت هیجانات، طبقه‌بندی کرده است (شجاعی، سقای بی‌ریا، عسگری و توکلی، ۱۴۰۲، ص۱ – ۴).

اما بررسی پیشینه‌های موجود نشان می‌دهد که هریک از این پـژوهش‌هـا بـه جنبـه‌ای از روابـط زوجین در منابع اسلامی پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام به‌طور اختصاصی به تدوین مدل مفهومی عشق زناشویی با رویکردی جامع و مبتنی‌بر نظریه استرنبرگ نپرداخته‌اند. ضعف‌هـای اصـلی پیشـینه‌هـا عبارت‌اند از: نخست، پژوهش هدایت‌شده و تبیک (۱۴۰۳) هرچند به دو مفهوم کلیدی «مـودت» و «رحمت» پرداخته، اما این دو مفهوم را به‌عنوان «عشق»[1] تبیین کرده و درحقیقت به‌جای مدل‌سازی مدل‌سازی عشق زناشویی، به مدل‌سازی دو مفهوم قرآنی پرداخته‌انـد کـه تنهـا بخشـی از عشـق را پوشش می‌دهند و «مؤلفه شـور و هیجـان» در مـدل آنهـا غایـب اسـت؛ دوم، پـژوهش رحیمـی و همکاران (۱۴۰۴) اگرچه جامع‌تر به روابط همسران پرداخته، اما بر «غنی‌سازی روابط» متمرکز بـوده و به‌طور خاص «عشق» را به‌عنوان یک سازه مستقل مدل‌سازی نکـرده اسـت و بیشـتر بـه نیازهـای

1. love

روان‌شناختی (احترام، محبت و امنیت) پرداخته است؛ سوم، پژوهش شـجاعی و همکـاران (۱۴۰۲) هرچند به مؤلفه‌هایی مانند «حفظ محبت و دوستی پیشین» و «ابراز هیجانات مثبت» اشـاره کـرده، اما این مؤلفه‌ها در کنار سایر ابعاد تعامل به معروف مطرح شده و مدل مستقل و جامعی برای عشق زناشویی ارائه نداده است. با توجه به خلأهـای یادشـده، ضـرورت تـدوین «مـدل مفهـومی عشـق زناشویی بر اساس منابع اسلامی» از چند جهت قابل اثبات است: اولاً، هیچ‌یـک از پـژوهش‌هـای پیشین به مدل‌سازی جامع و مستقل از «عشق زناشویی» با تکیه بر تمـامی منـابع اسـلامی (قـرآن، روایات، تفاسیر و سـیره) نپرداختـه‌انـد و اغلـب بـه مفـاهیم همسـو (ماننـد مـودت و رحمـت) یـا رویکردهای مرتبط (مانند غنی‌سازی روابـط) اکتفـا کـرده‌انـد؛ ثانیـاً، در منـابع اسـلامی، مفـاهیم متعددی مانند «حُب»، «مودت»، «رحمت»، «سکینه»، «الفّت» و «میل» پیرامون عشق زناشویی وجود دارد که پژوهش‌های پیشین هرکدام به بخشی از آنها پرداخته‌اند و هنوز مدلی یکپارچه که این مفاهیم را در یک چارچوب واحد سازماندهی کند، ارائه نشده اسـت؛ ثالثـاً، روان‌شناسـی معاصـر نظریه‌های متعددی درباره عشق (مانند مثلثی اسـترنبرگ، رنـگ‌هـای عشـق لـی و عشـق دلسـوزانه هاتفیلد) دارد، اما جای یک مدل بومی و اسلامی که بتواند پاسـخ‌گـوی نیازهـای جامعـه ایرانـی ـ اسلامی باشد، خالی است و پژوهش حاضر با این سؤال پژوهشی به میان آمده که: مؤلفه‌های مـدل مفهومی عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی چیست؟

روش پژوهش

طرح پژوهش و پارادایم حاکم این پژوهش از نوع کیفی با رویکرد بنیادی ـ نظری است. بـه‌منظـور پرهیز از تشتت روش‌شناختی و انتخاب یک چارچوب منسجم، تحلیل داده‌ها در ذیل پارادایم مـادر «تحلیل کیفی متن»[1] و بـه‌طـور مشـخص بـا روش «تحلیـل مضـمون» انجـام شـد. روش تحلیـل مضمون بدان جهت انتخاب شد که متون دینی دارای لایه‌های معنایی و اشارات ضمنی‌اند که صرفاً با روش‌های متن‌پژوهی متعارف قابل دستیابی نیستند و در پژوهش‌هـای مشـابه (بسـتان و بختیـاری، ۱۳۹۰؛ پسندیده، ۱۳۹۱؛ روشنی، ۱۳۹۶) نیز همین ترکیب روش‌شناختی با موفقیت بـه‌کـار گرفتـه شـده

1. Qualitative Textual Analysis

است. در این ساختار، بهره‌گیری از فنون «اجتهاد دینی» و «رویکرد استنطاقی»، نـه بـه‌عنـوان یـک روش مستقل و موازی، بلکه به‌عنوان افق تفسیری پژوهشگر[1] در مرحله فهم عمیق متن و اسـتخراج مضامین اولیه بـه‌کـار گرفتـه شـد. همچنـین از «قیـاس منطقـی» صـرفاً در مرحلـه نهـایی و بـرای صورت‌بندی نظری و انسجام‌بخشی به روابط میان مؤلفه‌های مدل مفهومی استفاده گردید.

جامعه، نمونه‌گیری و واحد تحلیـل جامعـه پـژوهش شـامل کلیـه آیـات قـرآن کـریم و روایـات معتبـر مـرتبط بـا حـوزه اخـلاق، خـانواده و تعـاملات بـین‌فـردی بـود. انتخـاب آیـات و روایـات بـر اسـاس روش «نمونـه‌گیـری هدفمنـد»[2] (پتـی، تامسـون و اسـتیو، ۲۰۱۲، بـه نقـل از: مـؤمنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی،۱۳۹۲، ص۲۰۲) و با معیار «دستیابی به اشباع مفهـومی»[3] (گلسـر و اشـتراوس، ۱۹۶۷) صورت گرفت؛ بدین معنـا کـه فرآینـد انتخـاب و تحلیـل متـون تـا جـایی ادامـه یافـت کـه تحلیل داده‌های جدید، منجر به خلق طبقه یا مضمون تازه‌ای در مدل نمی‌شد (در مجموع ۳۴ آیه و ۵۵ روایت تفسیری به‌عنوان داده‌های نهایی تحلیل شدند). معیارهای ورود داده‌ها به پژوهش عبارت بودنـد از: ۱. تصریح به واژگان کلیدی مـرتبط بـا عشـق زناشـویی (نظیـر مـودت، رحمـت، سـکینه، لبـاس، قوامیت، کفویت، حُسن معاشرت و...)؛ ۲. دلالت متن بر روابط بین‌فردی و اجتمـاعی (نـه صـرفاً رابطه فرد با خدا)؛ ۳. قابلیت انطباق مفهومی با تعاملات زناشویی بر اساس تفاسـیر معتبـر. واحـد تحلیل در این پژوهش، نه صرفاً واژگان، بلکـه «گـزاره‌هـای مفهـومی» (نـورعلیزاده، ۱۴۰۲، ص۱۹۰ – ۱۹۶) استخراج‌شده از آیات و روایات است که حاوی دلالت‌های معنایی در باب فرآیند عشق‌ورزی زناشویی هستند.

داده‌های پژوهش حاضر بر اسـاس رویکـرد کدگـذاری سـه‌مرحلـه‌ای (بـاز، محـوری و گزینشی) که در روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) و نیز رویکرد نظام‌مند اشتراوس

1. Interpretive Stance

۲. نمونه‌گیری هدفمند به پژوهشگر امکان می‌دهد تا بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده و مرتبط با مسئله پژوهش، غنـی‌تـرین و معنادارترین داده‌ها را برای تحلیل انتخاب کند

۳. «دستیابی به اشباع نظری» به‌عنوان ملاک توقف نمونه‌گیری، رویکردی است که در روش‌های کیفی مبتنی‌بر تحلیـل مضـمون، از اعتبار علمی برخوردار بوده و در پژوهش‌های مشابه با جامعهٔ آماری متون دینی، مبنای تعیین حجم نمونه قرار گرفتـه اسـت (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص۸۵)

و کوربین (۱۹۹۸) بسط یافته است، گردآوری و تحلیل شده‌اند. در مرحله کدگذاری باز،[1] با غوطه‌وری در آیات و روایات مرتبط با واژگان کلیدی عشق زناشویی (مودت، رحمت، سکینه، لباس، قوامیت، کفویت و حُسن معاشرت) و با بهره‌گیری از قاعده «دلالت لفظی» در اصول فقه و رویکرد استنطاقی، واحدهای معنایی (گزاره‌های مفهومی) از ۳۴ آیه و ۵۵ روایت واجد شرایط سه‌گانه استخراج و برچسب‌گذاری شدند که حاصل آن شناسایی ۴۲۰ کد اولیه بود. این کدها، کوچک‌ترین واحدهای معنادار مرتبط با عشق زناشویی بودند که مستقیماً از دل متون استخراج شدند (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص۸۸؛ اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص۱۰۱ – ۱۲۱).

در مرحله کدگذاری محوری،[2] کدهای باز بر اساس شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روابط معنایی معنایی کشف‌شده، در ۴۲ مفهوم و ۱۸ مقوله سازمان‌دهی شدند. در این مرحله، با بهره‌گیری از قاعده «سیاق» و «قرائن متصل و منفصل» در تفسیر متن، رابطه میان مفاهیم ذیل پنج بُعد کلان «زیرساختی، کنشی، تحکیم‌بخش، عاملیت اخلاقی و پیامدها» تبیین گردید و الگوی ارتباطی میان آنها (شرایط علّی، زمینه‌ای، میانجی و پیامدی) ترسیم شد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص۱۲۳ – ۱۴۲؛ براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص۸۹).

در مرحله کدگذاری گزینشی،[3] مقوله‌های محوری حول مفهوم مرکزی «عشق زناشویی» یکپارچه شده و مدل نهایی به‌صورت فرآیندی و نظام‌مند صورت‌بندی گردید. در این مرحله، با بهره‌گیری از قیاس منطقی، روابط لزوم و تلازم میان مؤلفه‌ها تعیین و در قالب الگویی متشکل از سه لایه اصلی (زیرساختی، کنشی و تحکیم‌بخش) و دو لایه فرعی (میانجی و پیامد) تدوین شد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص۱۴۳ – ۱۵۸؛ براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص۹۲ – ۹۳؛ نیز ر.ک: کرسول و پات، ۲۰۱۵، به نقل از: نوری و اکبرزاده، ۱۴۰۱).

در نهایت به‌منظور ارزیابی میزان اعتبار و اطمینان نتایج کیفی، از دو شاخص روایی محتوایی[4] (CVI) و نسبت روایی محتوایی[5] (CVR) بهره گرفته شد. با توجه به تعداد کارشناسان (۱۰ نفر)،[6]

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding
4. Content Validity Index (CVI)
5. Content Validity Ratio (CVR)

۶. در مرحله روایی‌سنجی مدل، از نظر ۱۰ نفر از متخصصان حوزه خانواده درمانی اسلامی و روان‌شناسی اسلامی استفاده شد. این افراد شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مدیران مراکز مشاوره و متخصصان برجسته زوج‌درمانی ←

حداقل مقدار قابل قبول این شاخص ۶۲/۰ تعیین شد. از خبرگان خواسته شد میزان «ضرورت» (CVR)، و «ارتباط» (CVI) هریک از مضامین را با توجه به سؤال پژوهش ارزیابی کنند. لازم به ذکر است که تأکید داوری خبرگان نه بر اعتبار ذاتی مفاهیم وحیانی، بلکه بر «کفایت تحلیلی پژوهشگر»، «انسجام تفسیری» و «عدم تحمیل پیش‌فرض‌های غیربرخاسته از متن» در صورت‌بندی مضامین بود. به‌عبارت‌دیگر، شاخص CVR صرفاً برای ارزیابی میزان تناسب مضامین استخراج‌شده با هدف پژوهش استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور استخراج نظام‌مند مؤلفه‌های عشق زناشویی از منابع اسلامی، با بهره‌گیری از قاعده «دلالت لفظی» در روش معناشناسی زبانی (شجاعی، ۱۳۹۹) و روش مفهوم‌شناسی واژگان روان‌شناختی در منابع اسلامی (نورعلیزاده، ۱۴۰۲)، واژگان کلیدی مرتبط با هریک از این سه مؤلفه از بطن آیات و روایات استخراج گردید و با مراجعه به منابع معتبر لغوی عربی دلالت معنایی هر واژه با مؤلفه متناظر، مستندسازی شد. جدول ذیل، ارتباط مفهومی میان واژگان قرآنی انتخاب‌شده و مؤلفه‌های سه‌گانه استرنبرگ را به‌همراه تعریف لغوی هر واژه نشان می‌دهد.

جدول ۱: انتخاب واژگان کلیدی بر اساس تطابق با مؤلفه‌های عشق زناشویی (استرنبرگ)

واژگان کلیدی انتخاب‌شده	تعریف لغوی واژه (بر اساس کتب لغت)
مودت، رحمت، سکینه، اطمینان، حُسن معاشرت	مودت: دوستی خالص و محبت پایدار که با ابراز و کنش همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق) رحمت: دلسوزی، مهربانی و گذشت ایثارگرانه در هنگام خطا یا ضعف دیگری (ابن‌منظور، ۱۴۲۲ق) سکینه: آرامش قلبی و فروکش کردن اضطراب در پناه دیگری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق) اطمینان: حالتی از ثبات روانی و اعتماد به دیگری (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق)
لباس، ازواج، رجل، امرأه، اب، ام	لباس: پوشش و محافظی که هم زینت‌بخش است و هم عیب‌پوش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). استعاره لباس در قرآن به رابطه‌ای جنسی ـ حمایتی اشاره دارد که فراتر از یک غریزه زودگذر، کارکرد عیب‌پوشی و صیانت دارد ازواج/زوج: به معنای قرین و همسر که با دیگری جفت می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۲۲ق)
میثاق غلیظ، قوام، حکم، قانت، عاشروهن بالمعروف	میثاق غلیظ: پیمانی استوار و محکم که خداوند شاهد و ناظر آن است و از تعهدی فراتر از یک تصمیم شناختی متزلزل حکایت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

← با رویکرد اسلامی بودند که بین ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه حرفه‌ای در حوزه پژوهش، آموزش و درمان زوجین داشتند. وابستگی سازمانی آنان شامل مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دانشگاه معارف، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جامعة المصطفی العالمیه و مرکز مشاوره حوزه علمیه کشور بود.

واژگان کلیدی انتخاب‌شده	تعریف لغوی واژه (بر اساس کتب لغت)
	قوام: تکیه‌گاه و حمایت‌کننده‌ای که مسئولیت مدیریت و پایداری رابطه را بر عهده دارد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق) حُسن معاشرت: رفتارهای پایدار و اخلاقی فراتر از وظایف فقهی که نشان‌دهنده تعهد عملی در زندگی مشترک است (ابن‌منظور، ۱۴۲۲ق)

در این پژوهش، با جست‌وجوی هدفمند واژگان کلیدی مطرح‌شده در متون قرآنی و روایی معتبر، تعداد ۴۲۰ کد اولیه مرتبط با مؤلفه‌های عشق زناشویی شناسایی شد. فرآیند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز گردید که طی آن مفاهیم و ابعاد اولیه از دل متون استخراج و دسته‌بندی شدند؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، روابط میان مفاهیم در قالب شرایط زیرساختی، مؤلفه‌های کنشی، سازوکارهای میانجی و پیامدها تعیین شد؛ و نهایتاً در کدگذاری گزینشی، نظریه حول مقوله مرکزی «عشق زناشویی» شکل گرفت. حاصل این فرآیند، سازمان‌دهی ۴۲۰ کد باز در قالب ۴۲ مفهوم، ۱۸ مقوله و ۵ بُعد کلان بود که ساختار نهایی مدل مفهومی را تشکیل دادند.

جهت شفاف‌سازی فرآیند تبدیل داده‌های متنی آموزه‌های اسلامی به مقولات نظری، یک نمونه از مسیر تحلیل ارائه می‌شود: برای مثال، آیه شریفه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) به‌عنوان یکی از واحدهای تحلیل کلیدی مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله کدگذاری باز، گزاره‌هایی نظیر «محافظت از آسیب‌های اخلاقی»، «زینت‌بخشی متقابل»، «عیب‌پوشی عاطفی» و «نزدیکی و صمیمیت جسمانی» استخراج شد. این کدها در مرحله کدگذاری محوری ذیل مفهوم «کارکرد پوششگری صمیمانه» سامان‌دهی شدند. در نهایت، با توجه به جایگاه اجرایی این مفهوم در تعاملات روزمره، ذیل مقوله کلان «پشتیبانی عاطفی ـ جنسی» و بُعد «مؤلفه‌های کنشی» در مدل مفهومی جای گرفت.

جدول ۲: کدگذاری سه‌مرحله‌ای مؤلفه‌های عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی

کدهای باز (مفاهیم اولیه استخراج‌شده از متون)	کدهای محوری (مفاهیم سازمان‌یافته)	کدهای گزینشی (مقولات کلان و ابعاد)
همسویی در جهان‌بینی و ارزش‌ها، اشتراک در باورهای دینی، تقوا و پرهیزگاری مشترک، سنخیت اخلاقی	کفویت ایمانی	مؤلفه‌های زیرساختی[1] (پیش‌فرآیندی)
تعهد به پیمان الهی، نگاه قدسی به ازدواج، وفای به عهد، التزام به میثاق غلیظ	میثاق غلیظ	
مدیریت حمایتی مرد، تکیه‌گاه عاطفی بودن، مسئولیت‌پذیری مالی، سرپرستی مبتنی‌بر مشورت	قوامیت حمایتی	

۱. شرایط پایدار اعتقادی، شخصیتی و حقوقی که بستر و ظرفیت لازم برای جوانه زدن عشق را فراهم می‌کنند

کدهای باز (مفاهیم اولیه استخراج‌شده از متون)	کدهای محوری (مفاهیم سازمان‌یافته)	کدهای گزینشی (مقولات کلان و ابعاد)
رشد عقلی و جسمی، بلوغ فکری، آمادگی روانی برای ازدواج، توانایی پذیرش مسئولیت	صلاحیت‌های نموی	مؤلفه‌های کنشی[1] (فرآیند اصلی)
تفسیر مثبت از رفتار همسر، پرهیز از بدبینی، نیت پاک‌انگاری، حسن نیت	حُسن‌ظن و مثبت‌نگری	
ابراز محبت کلامی و غیرکلامی، اظهار عشق زبانی، ابراز مهرورزی، محبت فعالانه	ابراز مودت	
ایجاد آرامش در خانه، پناهگاه عاطفی بودن، کاهش اضطراب، سکینه‌بخشی به همسر	سکینه عاطفی	
صمیمیت جنسی، عیب‌پوشی متقابل، زینت‌بخشی به یکدیگر، محافظت از آسیب‌های اخلاقی	استعاره لباس (صمیمیت جنسی ـ حمایتی)	
برخورد نیکو و انسانی، معاشرت زیبا، خوش‌خلقی با همسر، رفتار فراتر از وظایف فقهی	حُسن معاشرت	
بذل و بخشش مالی، اولویت دادن به رفاه خانواده، تلاش برای گشایش در زندگی	ایثار و انفاق عاطفی	
انحصار لذت‌ها در خانواده، حفظ اسرار، وفاداری جنسی و عاطفی، غیرت‌ورزی	وفاداری و مرزبندی	مؤلفه‌های تحکیم‌بخش[2] (ترمیمی)
دلسوزی در زمان ضعف، مهربانی ایثارگرانه، همدردی در بحران‌ها، رقت قلب	رحمت و رقت قلب	
بخشش بدون ملامت، پوشاندن زشتی‌ها، گذشت از خطا، نادیده‌گیری اشتباهات	عفو و صفح	
میانجیگری در تعارضات، حل اختلاف، مدارا در بحران‌ها، مدیریت نشوز و شقاق	مدارای اصلاحی و حل تعارض	
قدرشناسی از زحمات همسر، شکرگزاری، دیدن زیبایی‌ها، ابراز سپاس	سپاسگزاری و قدرشناسی	
انتخاب آگاهانه خیر، ترجیح رضایت الهی بر هوای نفس، تصمیم‌گیری اخلاقی	انتخاب آگاهانه خیر	عاملیت اخلاقی[3] (سازوکار میانجی)
مدیریت خشم، کنترل تکانه‌ها، فروخوردن خشم، ضبط نفس در بحران‌ها	صبر و خودمهارگری	
ترجیح دیگری بر خود، گذشت بدون چشم‌داشت، ایثار	ایثار عاطفی	

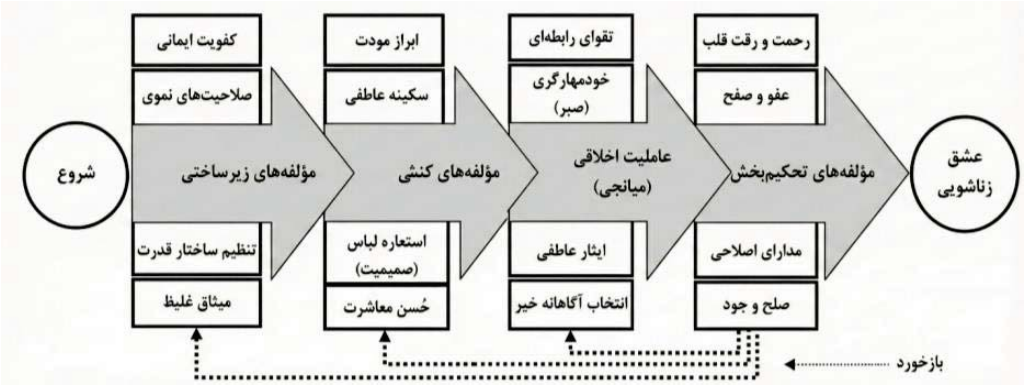
۱. رفتارهای هدفمند و ابزارهای عینی (کلامی و غیرکلامی) که ماهیت پویای عشق را در لحظه زندگی زوجین محقق می‌سازند

۲. سازوکارهای اخلاقی و رفتاری که در مواجهه با چالش‌ها و فرسایش‌های زمانی، از گسست پیوند جلوگیری کرده و عشق را بازسازی می‌کنند

۳. سازوکارهای اخلاقی و رفتاری که در مواجهه با چالش‌ها و فرسایش‌های زمانی، از گسست پیوند جلوگیری کرده و عشق را بازسازی می‌کنند

کدهای باز (مفاهیم اولیه استخراج‌شده از متون)	کدهای محوری (مفاهیم سازمان‌یافته)	کدهای گزینشی (مقولات کلان و ابعاد)
عاطفی، فداکاری		
التزام قلبی به میثاق، پایبندی به عهد در سختی‌ها، تداوم تعهد پس از فروکش هیجانات	تعهد درونی و پایبندی	
زندگی پاکیزه و معنادار، آرامش پایدار، رضایت از زندگی، بهباشی روانی	حیات طیبه	پیامدها[1] (پس‌فرآیندی)
تکمیل دین، ارتقای درجات معنوی، رشد شخصیتی، تعالی اخلاقی	رشد کمالی و معنوی	
امنیت روانی فرزندان، رشد عاطفی سالم، تربیت نسلی متعادل، شفقت نسلی	سلامت نسلی و روان‌درستی فرزندان	
استواری پیوند، کاهش طلاق، بنیان مرصوص خانواده، پایداری در بحران‌ها	استواری و بقای پیوند	

در تبیین این مدل، باید توجه داشت که «مؤلفه‌های زیرساختی» (مانند کفویت در ایمان) همچون ریشه، امکان تغذیه عاطفی را فراهم می‌کنند، اما این «مؤلفه‌های کنشی» (مانند ابراز مودت و صمیمیت لباس‌گونه) هستند که ساقه و برگ‌های عشق را پدید می‌آورند. در نهایت، «مؤلفه‌های تحکیم‌بخش» (مانند رحمت و گذشت) به‌مثابه حصاری در برابر تندبادهای تعارض عمل کرده و استمرار این پیوند قدسی را تضمین می‌نمایند. سپس تحلیل محتوای کیفی داده‌ها منجر به شناسایی سه دسته مؤلفه اصلی و دو مؤلفه فرعی گردید که بدنه اصلی مدل مفهومی عشق زناشویی در اسلام را تشکیل می‌دهند.



شکل ۱: مدل مفهومی عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی

شکل (۱)، «مدل مفهومی عشق زناشویی در منابع اسلامی» را به‌صورت یک فرایند پویا، مرحله‌ای و

۱. ثمرات و نتایج وضعی و تکلیفی که پس از استقرار مدل صحیح عشق در کانون خانواده حاصل می‌شود

بازخوردی ترسیم می‌کند که شکل‌گیری، رشد و پایداری عشق زناشویی را حاصل تعامل چهار دسته مؤلفه می‌داند: در نخستین مرحله، مؤلفه‌های زیرساختی شامل کفویت ایمانی، صلاحیت‌های نموی، تنظیم ساختار قدرت و میثاق غلیظ، بسترهای اعتقادی، شخصیتی و ساختاری لازم را برای ایجاد یک رابطه سالم فراهم می‌کنند؛ در مرحله دوم، مؤلفه‌های کنشی نظیر ابراز مودت، سکینه عاطفی، استتار لباس (صمیمیت) و حسن معاشرت، از طریق رفتارهای روزمره و تعاملات مثبت، پیوند عاطفی زوجین را تقویت می‌کنند؛ سپس، عاملیت اخلاقی (میانجی) با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون تقوای رابطه‌ای، خویشتن‌داری (صبر)، ایثار عاطفی و انتخاب آگاهانه خیر، نقش میانجی در تبدیل تعاملات رفتاری به دلبستگی عمیق و پایدار ایفا می‌کند؛ در نهایت، مؤلفه‌های تحکیم‌بخش شامل رحمت و رقت قلب، عفو و صفح، مداراگری اصلاحی و صلح و ود، موجب تثبیت، ترمیم و تداوم عشق زناشویی در مواجهه با تعارض‌ها و چالش‌های زندگی مشترک می‌شوند. همچنین وجود چرخه بازخورد در مدل نشان می‌دهد که پیامدهای حاصل از هر مرحله می‌توانند به بازتقویت و اصلاح مراحل پیشین بینجامند. ازاین‌رو عشق زناشویی در نگاه اسلامی نه یک احساس گذرا، بلکه فرایندی تکاملی، اخلاق‌محور و پویاست که در پرتو باورهای دینی، کنش‌های محبت‌آمیز و فضایل اخلاقی به بلوغ و پایداری می‌رسد.

یافته‌های حاصل از روایی‌سنجی مؤلفه‌های استخراج‌شده توسط ارزیابان خبرگانی ۱۰ نفره به شرح ذیل است:

جدول ۳: ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌های عشق زناشویی در منابع اسلامی توسط خبرگان

ردیف	بُعد کلان	مقولات محوری و زیرمؤلفه‌ها	شاخص مطابقت (CVI)	شاخص ضرورت (CVR)	نتیجه ارزیابی
۱	مؤلفه‌های زیرساختی	کفویت ایمانی، صلاحیت‌های نموی، تنظیم ساختار قدرت، میثاق غلیظ	۹۶/۰	۹۴/۰	تأیید نهایی
۲	مؤلفه‌های کنشی	ابراز مودت، سکینه عاطفی، استعاره لباس (صمیمیت)، حُسن معاشرت	۹۸/۰	۹۷/۰	تأیید نهایی
۳	عاملیت اخلاقی (میانجی)	تقوای رابطه‌ای، خودمهارگری (صبر)، ایثار عاطفی، انتخاب آگاهانه خیر	۹۴/۰	۹۲/۰	تأیید نهایی
۴	مؤلفه‌های تحکیم‌بخش	رحمت و رقت قلب، عفو و صفح، مدارای اصلاحی، صلح و جود	۹۷/۰	۹۵/۰	تأیید نهایی
۵	پیامدها (ثمرات)	حیات طیبه، رشد معنوی، سلامت نسلی، استواری پیوند	۹۵/۰	۹۳/۰	تأیید نهایی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی «عشق زناشویی» بر اساس منابع اصیل اسلامی (قرآن و سنت) انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که عشق در منظومه فکری اسلام، برخلاف الگوهای سکولار که عمدتاً بر «کشش‌های تکانه‌ای» یا «قراردادهای اجتماعی» متمرکز هستند، یک نظام چندلایه و غایت‌مند است. برای تبیین ارتباط مفهومی میان مقوله‌ها و پنج بعد مدل با عشق زناشویی، مفهوم اسلامی «حیات طیبه»[1] (زندگی پاکیزه و معنادار) به‌عنوان غایت و جوهره عشق زناشویی در نظر گرفته می‌شود. مدل نهایی عشق زناشویی در منابع اسلامی در پنج سطح کلان (زیرساختی، کنشی، تحکیم‌بخش، سازوکار میانجی و پیامدها) تبیین شد که در ادامه به تحلیل ابعاد آن می‌پردازیم.

نتایج نشان داد مؤلفه‌های زیرساختی، بنیادها و پیش‌نیازهای ضروری برای شکل‌گیری یک پیوند عاشقانه و پایدار هستند که بدون این زیرساخت‌ها، بنای عشق لرزان و آسیب‌پذیر خواهد بود. این بُعد شامل چهار مقوله کلیدی است: کفویت ایمانی که بر اساس تعبیر «مردان پاکیزه برای زنان پاکیزه و مردان ناپاک برای زنان ناپاک»[2] (نور: ۲۶) و حدیث «کفویت و همتایی عبارت از آن است که همسر پاک‌دامن و باحیا و متمکن باشد»[3] (کلینی،۱۴۳۲ق، ج۵، ص۳۲)، همسویی در جهان‌بینی و ارزش‌ها را تبیین می‌کند که منجر به «حیات طیبه» مشترک می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج۱۵، ص۲۱۱)؛ میثاق غلیظ که بر اساس آیه «از شما [به‌وسیله قرارداد ازدواج] پیمانی محکم گرفته‌اند»[4] (نساء: ۲۱)، ازدواج را نه یک قرارداد تجاری، بلکه پیمانی مقدس و ایزدی معرفی می‌کند که خداوند شاهد و ناظر آن است (پسندیده، ۱۳۹۱؛ بستان و بختیاری، ۱۳۹۰)؛ قوامیت حمایتی که بر اساس آیه «مردان بر زنان سرپرستی دارند»[5] (نساء: ۳۴)، مدیریت مرد را نه به معنای استبداد، بلکه به‌مثابه تکیه‌گاه عاطفی و اجرایی زن تبیین می‌کند (فخر رازی، ۱۴۱۷ق، ج۱۰، ص۲۱۵) و با روایت «جهاد زن همسرداری نیکوست»[6] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۵، ص۲۱) تکمیل می‌شود؛ و صلاحیت‌های نموی که بر اساس آیه «تا هنگامی که به بلوغ برسد»[7] (احقاف: ۱۵) و روایت «قدرت جنسی شرط ازدواج

۱. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

۲. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ... والْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ»

۳. «اَلْكُفُوُ اَنْ يَكُونَ عَفِيفاً وَعِنْدَهُ يَسارٌ»

۴. «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»

۵. «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ»

۶. «جِهادُ المَرأَةِ حُسنُ التَّبَعُّلِ»

۷. «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ»

است»[1] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۵ ،ص۲۵)، بر آمادگی جسمی و روانی برای پذیرش مسئولیت دیگری تأکید دارد (نورعلیزاده، ۱۴۰۲). به‌عبارت‌دیگر، این لایه، بستر و ظرفیت لازم برای جوانه زدن عشق را فراهم می‌کند و همچون ریشه‌ای است که امکان تغذیه عاطفی پایدار را میسر می‌سازد. این بخش از یافته‌ها، با پژوهش نعمتی (۱۳۹۸) در عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدای خانواده و ترکاشوند (۱۳۹۹) در مؤلفه افزایش رضایت زناشویی همسو است.

مؤلفه‌های کنشی، لایه عملیاتی و پویای عشق هستند که شامل رفتارهای روزمره و ابرازهای عینی (کلامی و غیرکلامی) می‌شوند و حرارت عشق را در خانواده حفظ می‌کنند. این بُعد در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری دسته‌بندی می‌شود. در سطح شناختی، «حُسن ظن و مثبت‌نگری» بر اساس آیه «از ظن بپرهیزید»[2] (حجرات: ۱۲) و حدیث «همانا کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنان است»[3] (مجلسی، ۱۳۸۵، ج۶۸، ص۲۱۵)، تفسیر مثبت از رفتارهای همسر و پرهیز از قضاوت‌های بدبینانه را تبیین می‌کند (قهاری، ۱۳۹۵). در سطح عاطفی، «ابراز مودت» بر اساس آیه «بین شما مودت و رحمت جاری کرد»[4] (روم: ۲۱) و روایت «ابراز محبت کلامی مرد به زن از قلبش بیرون نمی‌رود»[5] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۵، ص۲۹)، عشق را یک فعل ابرازشده معرفی می‌کند و «سکینه و آرامش‌بخشی» بر اساس آیه «آرامش حاصل از ازدواج»[6] (روم: ۲۱)، تبدیل خانه به پناهگاه عاطفی را ترسیم می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج۱۶، ص۲۲). در سطح عاطفی ـ جنسی، «استعاره لباس» بر اساس آیه «لباس بودن زن و مرد برای یکدیگر»[7] (بقره: ۱۸۷)، صمیمیت جنسی عمیق را همراه با عیب‌پوشی و زینت‌بخشی متقابل تبیین می‌کند، و در سطح رفتاری، «حُسن معاشرت» بر اساس آیه «مباشرت به معروف»[8] (نساء: ۱۹) و روایت «برترین شما، برترینش برای خانواده‌اش است»[9] (صدوق، ۱۴۱۲ق، ج۴، ص۲۲)، رفتاری فراتر از وظایف فقهی و «ایثار و انفاق عاطفی» بر اساس آیه «مردان وظایف تأمین نفقه زنان را بر عهده دارند»[10] (نساء: ۳۴) و روایت

۱. «يَا مَعْشَرَ اَلشَّبَابِ مَنِ اِسْتَطَاعَ مِنْكُمُ اَلْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُدْمِنِ اَلصَّوْمَ فَإِنَّ [اَلصَّوْمَ] لَهُ وِجَاءٌ»

۲. «اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»

۳. «أَكْمَلُ اَلْمُؤْمِنِينَ إِيمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ»

۴. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً ورحمةً»

۵. «قول الرجل للمرأة انی احبك لا یذهب من قلبها ابدا»

۶. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْها»

۷. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»

۸. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»

۹. «خیرُکُم، خیرُکُمْ لِاهلِه»

۱۰. «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

«کسی که به نیکی با اهل خانـه رفتـار نمایـد، عمـرش فـزون گـردد»[1] (کلینـی، ۱۴۳۲ق، ج۲، ص۷۱)، اولویت دادن به رفاه خانواده را ترسیم می‌نماید (شماخته و صـفورایی، ۱۴۰۴). ایـن مؤلفـه‌هـا، سـاقه و برگ‌های عشق را پدید می‌آورند و ماهیت پویای عشق را در لحظه زندگی زوجین محقق مـی‌سـازند (ترکاشوند، ۱۳۹۹). این بخش از یافته‌ها، با پـژوهش شـماخته و صـفورایی (۱۴۰۴) در شاخصـه‌هـای امنیت عاطفی خـانواده و سـالاری‌فـر، شـماخته، فـروزش و شـریف یـزدی(۱۴۰۵) در کارکردهـای هیجانی مثبت در روابط زوجین همسو است.

مؤلفه‌های تحکیم‌بخش، نقش «نگهدارنده» و «ترمیم‌کننده» را در فرآینـد عشـق زناشـویی ایفـا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای‌که زمانی که تعارض ایجاد می‌شود یا عشق رو به سردی می‌گراید، این عوامـل از گسست پیوند جلوگیری کرده و عشق را بازسازی می‌نمایند. این بُعد شـامل چهـار مؤلفـه محـوری است: رحمت و رقت قلب که بر اساس آیه «بـین شـما مـودت و رحمـت قـرار داد»[2] (روم: ۲۱) و تفسیر طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۵۱) که رحمت را مکمل مودت در زمـان نقـص مـی‌دانـد (جدیری، ۱۳۸۷، ص۱۰ – ۱۳)، دلسوزی برای همسر در زمان ضعف، بیماری یا خطا را تبیین مـی‌کنـد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص۷۸)؛ عفو و صفح که بر اساس آیه «بخشودگی نزدیک‌تر است بـه تقـوا»[3] (بقـره: ۲۳۷) و «ببخش، بخششی زیبا»[4] (حجر: ۸۵) و روایت «بر بدخلقی او چشم بپوش»[5] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۵، ص۳۱)، بخشش بدون ملامت و پوشاندن زشتی‌هـا را بـرای جلـوگیری از کینـه تبیـین مـی‌کنـد (شماخته، صادقی‌سرشت و مصلحی، ۱۴۰۵)؛ مدارای اصلاحی و حل تعارض که بر اساس آیه «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء: ۱۲۸) و «از اهل هر دو حکم گزینی کنید»[6] (نسـاء: ۳۵) و روایت «مدارا با مردم، نیمـی از ایمان باشد»[7] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۲، ص۷۷)، استفاده از حکمیت و میانجیگری برای باز گرداندن صلح را ترسیم می‌نماید (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص۱۵ – ۱۹)؛ و سپاسگزاری و قدرشناسـی کـه بـر اسـاس آیـه «شکر نعمت، نعمت را افزون کنـد»[8] (ابـراهیم: ۷) و روایـت «کسـی کـه سپاسـگزار خلـق نباشـد، سپاسگزار پروردگار هم نخواهد بود»[9] (حر عاملی، ۱۴۱۵ق، ج۵، ص۲۰۵)، دیدن زیبـایی‌هـا و زحمـات

۱. «من حُسن بره باهله، زاد الله فی عمره»
۲. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»
۳. «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوى»
۴. «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»
۵. «اِصْفَحْ عَنْ سُوءِ خُلُقِهَا»
۶. «فَابْعَثُوا حَكَماً مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَماً مِنْ أَهْلِها»
۷. «مُدَارَاةُ اَلنَّاسِ نِصْفُ اَلْإِيمَانِ»
۸. «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»
۹. «لاَ يَشْكُرُ اللهَ مَنْ لاَ يَشْكُرُ اَلنَّاسَ»

همسر و ابراز تشکر را تبیین می‌کند (نورعلیزاده، ۱۴۰۲). این مؤلفه‌ها به‌مثابه حصاری در برابر تندبادهای تعارض عمل کرده و استمرار پیوند قدسی را تضمین می‌نمایند (روشنی، ۱۳۹۶). این بخش از یافته‌ها نیز با پژوهش ترکاشوند (۱۳۹۹) در شاخصه‌های اخلاق زناشویی مبتنی‌بر اسلام و پژوهش زارعی توپخانه (۱۴۰۲) در عوامل ترمیم‌کننده تنش‌های ناشی از تعارضات‌های زوجین و پیشگیری از پیمان‌شکنی همسو است.

عاملیت اخلاقی، موتور محرک و تصفیه‌گر عواطف در فرآیند عشق زناشویی است که در رأس آن «تقوا» قرار دارد و باعث می‌شود عشق از یک میل غریزی و ناپایدار، به یک «تعهد آگاهانه و ماندگار» تبدیل شود. این یافته با نتایج تحقیق صادقی (۱۳۹۲) همسو است. صادقی با بررسی میدانی عوامل تعهد زناشویی به مؤلفه‌های مختلفی دست پیدا کرده است، از جمله اذعان داشته که تقوا و تعهد دینی مهم‌ترین ضامن سلامت عاطفی خانواده و تحکیم‌کننده تعهد زناشویی است (صادقی، ۱۳۹۲، ص۱۰۸). این سازوکار میانجی، هیجانات خام را به رفتارهای اخلاقی پایدار تبدیل می‌کند و شامل چهار مؤلفه محوری است: انتخاب آگاهانه خیر که بر اساس آیه «حکمت خیر کثیر است»[۱] (بقره: ۲۶۹) و «ضرورت رعایت تقوا تا حد توان»[۲] (تغابن: ۱۶)، توانایی ترجیح دادن رضایت الهی و خیر زندگی مشترک بر هوای نفس در لحظات بحرانی را تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۲۱۱)؛ صبر و خودمهارگری که بر اساس آیه «کظم غیظ»[۳] (آل‌عمران: ۱۳۴) و روایت امام علی‌علیه‌السلام: «اَلصَّبْرُ عَوْنٌ عَلی کُلِّ أَمْر» (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۲، ص۸۱)، مدیریت تکانه‌های خشم و کنترل هیجانات منفی را برای جلوگیری از تخریب ساختار عشق ترسیم می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۱، ص۱۰۷؛ شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴، ص۹۸)؛ ایثار عاطفی که بر اساس آیه «دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند؛ گرچه خودشان نیازمند باشند»[۴] (حشر: ۹) و روایت امام صادق‌علیه‌السلام: «نهایت معروف به ایثار است»[۵] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۲، ص۷۸)، ظرفیت گذشت از خواسته خود به نفع همسر را بدون چشم‌داشت تبیین می‌کند (سالاری‌فر، ۱۳۹۵)؛ و تعهد درونی و پایبندی که بر اساس آیه «وفای عهد»[۶] (اسراء: ۳۴) و «رعایت امانت»[۷] (مؤمنون: ۸)، التزام قلبی به میثاق زناشویی را حتی در زمان

۱. «وَمَنْ یُؤْتَ حِکْمَةً فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً»
۲. «فَاتَّقُوا اللهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ»
۳. «وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ»
۴. «وَیُؤْثِرُونَ عَلَی أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»
۵. «لا تَتِمُّ المَعروفُ اِلاّ بِثَلاثَةٍ: ... وایثارِ الحَقِّ»
۶. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ کَانَ مَسْؤُولاً»
۷. «وَالَّذِینَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»

فروکش کردن هیجانات اولیه، ترسیم می‌نماید (شماخته، صادقی‌سرشت و مصلحی، ۱۴۰۵). بدون «صبر» و «ایثار»، عشق در اولین تعارض‌ها فرو می‌پاشد، اما وقتی زوجین از سازوکار میانجی تقوا استفاده می‌کنند، هیجان‌های ناپایدار به «مودت مستمر» تبدیل می‌شود (مصلحی، صفورایی، تقیان و مسترحمی، ۱۴۰۴). این بخش از پژوهش نیز با یافته‌های مصلحی و صفورایی، تقیان و مسترحمی (۱۴۰۴) در عوامل معنویت در خانواده و با یافته های نوری و اکبرزاده (۱۴۰۱) در عوامل خوش‌بینی همسران همسو است.

پیامدها، نشان‌دهنده خروجی نهایی استقرار مدل صحیح عشق اسلامی در خانواده هستند که تنها محدود به دنیای مادی نیست و ابعاد معنوی و نسلی را نیز دربر می‌گیرد. این بُعد شامل چهار مؤلفه محوری است: حیات طیبه که بر اساس آیه «حیات طیبه»[۱] (نحل: ۹۷) و تفسیر علامه طباطبایی که حیات طیبه را زندگی با سکینه و رضایت معنا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج۵، ص۲۰۵)، رسیدن به یک زندگی پاکیزه، آرام و با معنا را تبیین می‌نماید که فراتر از لذت‌های گذراست (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۶۵)؛ رشد کمالی و معنوی زوجین که بر اساس روایت پیامبرﷺ: «ازواج، مکمل ایمان است»[۲] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۵، ص۴۲) و آیه «خانواده نور چشم ماست»[۳] (فرقان: ۷۴)، ازدواج را به‌عنوان بستری برای تکمیل دین و ارتقای درجات معنوی طرفین معرفی می‌کند؛ چنان‌که در پژوهش‌های پیشین مطرح شده بود (پسندیده، ۱۳۹۱؛ بستان و بختیاری، ۱۳۹۰)؛ سلامت نسلی و روان‌درستی فرزندان که بر اساس آیه «ما پیش‌تر [در دنیا] در میان خانواده خود [از عذاب امروز] ترسان بودیم»[۴] (طور: ۲۶) و آیه «وقایت از خانواده»[۵] (تحریم: ۶) و احادیث حقوق فرزندان بر گردن والدین[۶] (نیشابوری، ۱۴۲۱ق، ص۲۶)، ایجاد محیطی امن برای رشد عاطفی فرزندان را در پرتو عشق والدین تبیین می‌کند؛ چنان‌که در پژوهش‌های پیشین اشاره شده بود (شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴)؛ و استواری و بقای پیوند که بر اساس آیه «بنیان مرصوص»[۷] (صف: ۴) و روایت «ازدواج بهترین بنا در نگاه خداوند»[۸] (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج۵، ص۷۱)، کاهش آمار طلاق و تنش‌های مزمن و تبدیل خانواده به یک دژ نفوذناپذیر را ترسیم می‌نماید (سالاری‌فر، هراتیان، داوری و فروزش، ۱۴۰۱). ثمره این فرآیند آن

۱. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»
۲. «مَن تَزَوَّجَ فَقَدِ استَكمَلَ نِصفَ ایمانِهِ»
۳. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا... قُرَّةَ أَعْيُنٍ»
۴. «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ»
۵. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجارَةُ عَلَيْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لايَعْصُونَ اللهَ ما أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ»
۶. «إن لربك عليك حقا، وإن لنفسك عليك حقا، ولأهلك عليك حقا، فأعطِ كل ذي حق حقه»
۷. «كَأَنَّهُم بُنيانٌ مَرصوصٌ»
۸. «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي ٱلْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنَ التَّزْوِيجِ»

است که خانواده از یک نهاد صرفاً قراردادی، به فضای «حیات طیبه» ارتقا می‌یابد (صفورایی، ۱۳۸۸) و نه‌تنها زوجین به آرامش و رشد می‌رسند، بلکه این امنیت عاطفی به نسل بعد (فرزندان) نیز سرایت کرده و سلامت روان جامعه را تضمین می‌کند (سالاری‌فر، شماخته، شریف یزدی و فروزش، ۱۴۰۵). این بخش از پژوهش نیز با یافته‌های صفورایی و هوشیاری و جزایری و تقیان (۱۴۰۱) در شاخصه‌های عاطفی کارآمدی خانواده و پژوهش رحیمی و همکاران (۱۴۰۴) در پیامدهای نتایج غنی‌سازی روابط همسران، همسو است.

این پژوهش با وجود ارائه مدلی جامع از عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. ماهیت کیفی پژوهش و اتکای آن بر تحلیل متون دینی، امکان تعمیم‌پذیری آماری یافته‌ها را محدود ساخته است و اعتبار نتایج صرفاً مبتنی‌بر اشباع مفهومی و تأیید خبرگان می‌باشد؛ همچنین تفسیر متون دینی همواره با ذهنیت‌گرایی پژوهشگر همراه است و اگرچه برای کاهش آن از شاخص‌های روایی محتوا استفاده شد، اما امکان خطاهای تفسیری کاملاً منتفی نیست. جامعه پژوهش به آیات و روایات معتبر مرتبط با اخلاق، خانواده و تعاملات بین‌فردی محدود گردید و از منابع درجه پایین‌تر صرفاً به‌عنوان مؤید استفاده شد که ممکن است برخی مفاهیم موجود در آن منابع در مدل لحاظ نشده باشند. محدودیت‌های زمانی و مالی نیز امکان بررسی جامع‌تر متون را محدود ساخت. مهم‌ترین محدودیت آنکه مدل ارائه‌شده صرفاً مبتنی‌بر منابع کتابخانه‌ای تدوین شده و با نمونه‌های تجربی زوجین آزمون نشده است؛ ازاین‌رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی با روش‌های کمّی، اعتبار بیرونی مدل سنجیده شده و پرسش‌نامه‌ای استاندارد بر اساس ابعاد پنج‌گانه آن تدوین گردد.

در نهایت مؤلفه‌های «عشق زناشویی در منابع اسلامی» نشان می‌دهد که عشق در اسلام یک پدیده تصادفی یا صرفاً غریزی نیست، بلکه فرآیندی است که بر زیرساخت ایمان و تعهد استوار است، با کنش‌های مودت‌آمیز و صمیمیت لباس‌گونه تغذیه می‌شود، توسط عاملیت اخلاقی (تقوا و صبر) مدیریت می‌گردد، و با ابزار رحمت و گذشت در برابر آسیب‌ها بیمه می‌شود.

این مدل می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب عملیاتی در مراکز مشاوره خانواده و کلینیک‌های زوج‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد. مشاوران می‌توانند به‌جای تمرکز صرف بر فنون ارتباطی، بر تقویت «زیرساخت‌های اعتقادی» و «عاملیت اخلاقی» زوجین تأکید کنند تا عشقی پایدار و فرابخشی حاصل

شود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، پرسش‌نامه‌ای استاندارد بـر اسـاس ایـن پـنج بُعـد تـدوین و اعتباربخشی شود تا امکان سنجش کمی عشق زناشویی با نگاه اسلامی فراهم گردد.

منابع

قرآن کریم.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قـم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۲ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. قم: مرتضوی.

مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجـه؛ فـردانش، هاشـم و مزینـی، ناصـر (۱۳۹۲). تحلیـل محتوای کیفی در آیین پژوهش؛ ماهیـت، مراحـل و اعتبـار نتـایج. انـدازه‌گیـری تربیتـی، ۴(۱۴)، ۱۸۷ - ۲۲۲.

بسـتان، حسـین و بختیـاری محمـدعزیز (۱۳۹۰). اسـلام و جامعـه‌شناسـی خـانواده. قـم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پسندیده، عباس (۱۳۹۱). رضایت زناشویی. قم: دار الحدیث.

ترکاشوند، جـواد (۱۳۹۹). بسـته آموزشـی اخـلاق زناشـویی بـر اسـاس منـابع اسـلامی و امکان‌سـنجی آن در کـاهش تعارضـات زناشـویی. رسـاله دکتـری. مؤسسـه آموزشـی و پژوهشی امام خمینی‌ره.

هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۵). نگاهی نو به تفسیر نشوز زوجه در قـرآن. قـرآن، فقـه و حقـوق اسلامی، ۴(۴)، ۷ - ۳۴.

جدیری، جعفر (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی. پایان‌نامه کارشناسـی ارشـد روان‌شناسـی. مؤسسـه آموزشـی و پژوهشـی امـام خمینی‌ره.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق). وسائل الشیعه. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.

رحیمـی، عمـاد؛ فقیهـی، علـی‌نقـی و انتصـاری، احمـد (۱۴۰۴). تـدوین مـدل مفهـومی غنی‌سازی روابط همسران با تأکید بر تـأمین نیازهـای روان‌شـناختی بـر اسـاس منتخـب

احادیث کتاب بحارالانوار. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۳(۳۸) ۲۲ - ۴۷.
روشنی، شهره (۱۳۹۶). تبیین آرامش زنان در زندگی مشترک مطالعه‌ای کیفی با رویکرد نظریه مبنایی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه تربیت مدرس.
زارعی توپخانه، محمد (۱۴۰۲). پیمان‌شکنی زناشویی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۵). زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
سالاری‌فر، محمدرضا؛ هراتیان، عباسعلی؛ داوری، یحیی و فروزش، سجاد (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
سالاری‌فر، محمدرضا؛ شماخته، میلاد و شریف یزدی، سعید؛ فروزش، سجاد (۱۴۰۵). خانواده در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
سالاری‌فر، محمدرضا (۱۴۰۲). زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۴(۲۷)، ۴۱ - ۷۳.
شجاعی، محمدصادق؛ سقای بی‌ریا، محمدناصر؛ عسگری، علی و توکلی، سوده (۱۴۰۲). مدل مفهومی تعامل به معروف بین همسران بر اساس منابع اسلامی. روان‌شناسی قرآن‌بنیان، ۲(۱)، ۱۶۵ - ۱۸۸.
شماخته، میلاد و صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۴۰۴). بررسی مؤلفه‌های امنیت عاطفی خانواده در آموزه‌های قرآن کریم. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۱(۲۳)۶۲ - ۸۹.
شماخته، میلاد (۱۴۰۲). مدل مفهومی خطاهای شناختی زوجین در قرآن و روان‌شناسی. رساله سطح ۴ قرآن و روان‌شناسی. مرکز تخصصی قرآن‌پژوهی امام علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام.
شماخته، میلاد؛ صادقی‌سرشت، علی؛ مصلحی، جواد (۱۴۰۵). مدل مفهومی و بسته درمانی قرآن‌بنیان بخشودگی زناشویی و اثربخشی آن. رساله دکتری. جامعة المصطفی العالمیه.
صادقی‌سرشت، علی (۱۳۹۳). ساخت پرسش‌نامه باورهای منطقی زوجین در منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.

صادقی، مسعود (۱۳۹۲). تدوین مدل بومی خانواده سالم و بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر این مدل بر سلامت خانواده، عملکرد خانواده و کیفیت رابطه زناشویی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه اصفهان.
صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۲ق). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
هدایت‌شده، سعید و تبیک، محمدتقی (۱۴۰۳). مدل مفهومی «مودت» و «رحمت» در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی. روان‌شناسی فرهنگی، ۸(۱)۲۹ - ۴۳.
صفورایی، محمدمهدی (۱۳۸۸). شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۵). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
غروی، سیدمحمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵). درآمدی بر روان‌شناسی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
قهاری، شهربانو (۱۳۹۵). زوج درمانی شناختی رفتاری. تهران: رشد.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۲ق). اصول کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۵). بحارالانوار. بغداد: الوفاء.
نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۲۱ق). صحیح مسلم. بغداد، دار الطباعه العامره.
مصلحی، جواد؛ صفورائی پاریزی، محمدمهدی؛ تقییان، حسن و مسترحمی، سیدعیسی (۱۴۰۴). معماری خانواده معنوی: تبیین الگوی پنج‌بعدی مبتنی‌بر استنطاق از قرآن و روان‌شناسی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۹(۳۹)، ۷ - ۵۰.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه‌آثار. تهران: صدرا.
نعمتی، سلمان (۱۳۹۸). عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدا خانواده در قرآن و ساخت پرسش‌نامه آن. رساله دکتری. جامعة المصطفی العالمیه.
نورعلیزاده، مسعود (۱۴۰۲). مدل‌یابی مفهومی از منابع اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی‌ره.
نوری، نجیب‌الله و اکبرزاده، هادی (۱۴۰۱). بسته آموزشی خوش‌بینی همسران بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه معارف اسلامی.
هاید، جانت شیبلی (۱۳۸۴). روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری). ترجمه اکرم خمسه. تهران: آگاه.
هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی؛ جزایری، سیدحمید و تقیان، حسن (۱۴۰۱). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش مرزهای روان‌شناختی خانواده بر اساس قرآن کریم. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۲۸)، ۷ - ۲۹.
سانتراک، جان (۱۳۹۷). روان‌شناسی رشد. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.
Acker, M. & Davis, M. H. (1992). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9(1), 21-50.
Askarpour, M. & Mohammadipour, M. (2016). Psychometric properties of the Triangular Love Scale (TLS) in Iranian married students. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 18(2), 89-97.
Baqum, D. C., Opestin, A. J. & Parr, M. R. (2012). Something more: The meanings of marriage for religious couples in America. *Marriage & Family Review*, 48(4), 339-362.
Bek, A. T. (2014*). The relationship between equity and marital quality among Hispanic Africans and American and Caucasian (Doctoral dissertation)*. The Ohio State University.
Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
Cassepp-Borges, V. & Pasquali, L. (2012). Confirmatory factor analysis of the Brazilian version of the Triangular Love Scale. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 22(53), 389-396.
Clemente, M., Hernández, P. & Luna, S. (2020). Love theories in social psychology: The place of Sternberg's triangular theory. *Journal of Social Psychology Studies*, 35(4), 412-430.

Dion, K. K. & Dion, K. L. (1976). Love, liking, and trust in heterosexual relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 2(3), 225-230.

Fletcher, G. J. O., Simpson, J. A. & Campbell, L. (2000). Personality and love: The role of personality traits in the triangular theory of love. *Journal of Personality*, 68(2), 357-382.

Gao, G. (2001). Intimacy, passion, and commitment in Chinese and US American romantic relationships. *International Journal of Intercultural Relations*, 25(3), 329-342.

Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Aldine.

Hasanagic, A. & Draganovic, S. (2014). Validation of the Triangular Love Scale in Bosnia and Herzegovina. *Epiphany: Journal of Transdisciplinary Studies*, 7(1), 113-124.

Hatfield, E. & Rapson, R. L. (2005). *Love and sex: Cross-cultural perspectives*. University Press of America.

Hatfield, E. & Walster, G. W. (1978). *A new look at love*. University Press of America.

Hill, S., Rexrode, K. & Spiegelman, D. (2019). Primary prevention of stroke by healthy lifestyle. *Circulation*, 118(9), 947-954.

Lee, J. A. (1973). *The colors of love: An exploration of the ways of loving*. New Press.

Lee, J. A. (1977). A typology of styles of loving. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 3(2),17-32.

Lemieux, R. & Hale, J. L. (1999). Intimacy, passion, and commitment in young adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16(3), 401-415.

Ng, T. K. & Cheng, C. (2010). Psychometric properties of the Chinese version of the Triangular Love Scale. *Journal of Psychology in Chinese Societies*, 11(2), 159-178.

Olson, D. H. & DeFrain, J. (2006). *Marriage and the family: Intimacy, diversity, and strengths* (6th ed.). McGraw-Hill.

Overbeek, G., Ha, T., Scholte, R., de Kemp, R. & Engels, R. C. M. E. (2007). Brief report:

Intimacy, passion, and commitment in romantic relationships—Validation of a triangular love scale for adolescents. *Journal of Adolescence*, 30(3), 523-528.

Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research and evaluation methods* (4th ed.). SAGE Publications.

Rubin, Z. (1970). Measurement of romantic love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 16(2), 265-273.

Schmiedeler, E. (1947). *An introductory study of the family*. Appleton-Century-Crofts.

Sorokowski, P., Sorokowska, A., Karwowski, M. & Groyecka, A. (2021). Universality of the triangular theory of love: Adaptation and validation of the Triangular Love Scale in 25countries. *Journal of Sex Research*, 58(1), 106-115.

Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, 93(2), 119-135.

Sternberg, R. J. (2020). *The triangular theory of love. In The new psychology of love* (2nd ed., p. 35-52). Cambridge University Press.

Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). SAGE Publications.

Sumter, S. R., Valkenburg, P. M. & Peter, J. (2013). Perceptions of love across the lifespan: Differences in passion, intimacy, and commitment. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(6), 749-771.

Ventura-León, J., Peña-Calero, B. & Caycho-Rodríguez, T. (2020). Psychometric evidence of the Triangular Love Scale in Peruvian university students. *Propósitos y Representaciones*, 8(3), e512.

Von Hildebrand, D. (1942). *Marriage: The mystery of faithful love*. Longmans, Green and Co.